رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر مردی از بنی اسرائیل نمود که از فرد دیگری از بنی اسرائیل درخواست نمود هزار دینار به او قرض بدهد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر مردی از بنی اسرائیل نمود که از فرد دیگری از بنی اسرائیل درخواست نمود هزار دینار به او قرض بدهد؛ آن مرد گفت: شاهدانی نزد من بیاور که از آنها شهادت بگیرم. وی جواب داد: الله به عنوان گواه و شاهد کافی است. وی گفت: ضامنی نزد من بیاور. جواب داد؟ الله به عنوان ضامن کافی است. آن مرد گفت: راست گفتی. پس تا زمان مشخصی به او قرض داد. وی به دریا رفت و حاجت و نیازش را بر آورده نمود، سپس به جستجوی کشتی ای رفت تا بر آن سوار شده و با آن در موعد مقرر نزد آن مرد برگردد، اما کشتی ای نیافت، پس چوبی برداشته و درون آن را خالی نمود و هزار دینار را به همراه نامه ای برای دوستش در آن گذاشته و آن سوراخ را محکم نموده و با آن به کنار دریا آمد و گفت: پروردگارا، تو می دانی که من از فلانی هزار دینار قرض گرفتم و او از من ضامنی خواست، من گفتم: الله بهترین ضامن است و او به تو راضی شد. و از من گواه طلبید، گفتم: الله برای گواهی کافی است و او به تو راضی شد. من تلاش کردم که کشتی ای بیابم تا قرضش را به او برگردانم، اما نتوانستم. و می خواهم که تو قرضم را ادا کنی. پس چوب را در دریا انداخت تا اینکه به میان دریا رفت. سپس برگشت و همچنان به دنبال کشتی بود تا به وسیله ی آن به سرزمینش برود. مردی که به او قرض داده بود در جستجوی کشتی خارج شد که شاید مالش با آن آمده باشد، پس چوبی را که پول در آن بود، مشاهده کرد و آن را به عنوان هیزمی برای خانواده اش برداشت. اما هنگامی که آن را شکافت، پول و نامه را در آن دید! سپس فردی که به او قرض داده بود آمد و هزار دینار آورده و گفت: به الله سوگند بسیار تلاش کردم کشتی بیابم که مال تو را بیاورد، اما تا قبل از اینکه نزد تو بیایم کشتی نیافتم. آن مرد گفت: آیا تو چیزی را به سوی من فرستادی؟ جواب داد: به تو گفتم تا قبل از اینکه نزدت بیایم کشتی نیافتم. آن مرد گفت: پس خداوند آنچه را که تو با چوب فرستاده بودی رسانید، پس هزار دینارت را بردار و به سلامت برو.

[صحیح است] [به روایت بخاری]

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می فرماید که مردی از بنی اسرائیل از فرد دیگری از بنی اسرائیل تقاضا نمود هزار دینار به او قرض بدهد؛ و آن مرد گفت: شاهدی نزد من بیاور تا گواهی دهد از من هزار دینار قرض گرفته ای؟ مردی که قرض می خواست جواب داد: الله به عنوان گواه و شاهد کافی است؛ یعنی: الله به عنوان گواه برای من و تو کافی است. آن مرد گفت: ضامنی نزد من بیاور تا ضمانتت را بکند. جواب داد؟ خداوند به عنوان ضامن کافی است؛ یعنی: الله به عنوان ضامن برایت کافی است. آن مرد گفت: راست گفتی. پس تا زمان مشخصی به او هزار دینار قرض داد. فردی که قرض گرفته بود، به دریا رفت و با آن مال تجارت کرد و چون موعد پرداخت بدهی فرا رسید، به دنبال کشتی گشت تا بر آن سوار شود و نزد فرد قرض دهنده برود، اما مرکبی نیافت. در نتیجه چوبی برداشته و درون آن را خالی نمود و هزار دینار را به همراه نامه ای برای دوستش در آن گذاشت، وی در آن نامه نوشت: از فلانی به فلانی. من مالت را به وکیلی سپردم که او را به عنوان ضامن من پذیرفتی؛ سپس سوراخی را که ایجاد کرده بود، محکم نموده و با آن به کنار دریا آمد و گفت: پروردگارا، تو می دانی که من از فلانی هزار دینار قرض گرفتم و او از من ضامنی خواست و من گفتم: الله بهترین ضامن است، پس به تو راضی شد. و از من گواه طلبید، گفتم: الله برای گواهی کافی است، پس به تو راضی شد. من تلاش کردم مرکبی بیابم تا قرضش را به او برگردانم، اما نتوانستم. و می خواهم که تو قرضم را ادا کنی و آن را ودیعه و امانتی نزد تو رها می کنم. پس چوب را در دریا انداخت تا اینکه به میان دریا رفت. سپس برگشت، اما همچنان به دنبال مرکبی بود تا با آن به محل اقامت آن مرد رفته و هزار دینار دیگر را نزد آن مرد ببرد. با این گمان که کار اول او کافی نبوده است. و مردی که به او قرض داده بود در موعد پرداخت قرض به کنار ساحل رفت تا شاید کشتی حامل مال وی از راه برسد و گمان می

کرد که آن مرد مالش را با کسی فرستاده یا خودش می آورد. اما کشتی ای نیافت. وی چوبی را که پول در آن بود، مشاهده کرد و آن را به عنوان هیزمی برای خانواده اش برداشت غافل از اینکه پول وی در آن چوب است، اما وقتی آن را با اره شکافت، پولش را به همراه نامه ی آن مرد دید! سپس فردی که به او قرض داده بود آمد و هزار دینار دیگر آورده و گفت: به الله سوگند که بسیار تلاش کردم کشتی بیابم که مال تو را بیاورد، اما تا قبل از اینکه نزد تو بیایم کشتی نیافتم. آن مرد گفت: آیا تو چیزی را به سوی من فرستادی؟ جواب داد: به تو گفتم تا قبل از اینکه نزدت بیایم کشتی نیافتم. بنابراین مردی که به او قرض داده بود گفت: بدان که الله متعال هزار دیناری که با چوب فرستادی، از جانب تو ادا کرد. پس با هزار دینار دیگر بازگرد و به سلامت برو.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8318